

راهکارهای مقابله با جنگ نرم در اشعار احمد مطر بر اساس نظریه کنش گفتار جان سرل

جواد خانلری^۱، سعدی سعدی^۲، پریسا کاظمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳

چکیده:

احمد مطر، شاعر انقلابی سُرّا و بی‌پروای معاصر در برابر ظلم و ستم حاکمان مستبد و ظالم عراق با اشعار پرطمطراق و انقلابی خویش سعی در جلب توجه جامعه وقت در جهت مقابله با حکم جائز وقت دارد. وی با قریحه خویش به جنگ نرم با عاملان وضع اسفبار جامعه می‌پردازد. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با تأکید بر نظریه کنش گفتاری جان سرل، راهکارهای مقابله با جنگ نرم در سروده‌های احمد مطر، شاعر مبارز عراقی را واکاوی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد شاعر در عین توصیف وضعیت اجتماعی نامطلوب جامعه که محصول فساد حکومت و عملکرد ظالمانه حاکمان همسو با استبداد و استعمار جهانی بوده، در جهت مقابله با حجم گسترده فساد و تهدیدات جنگ نرم، راهکارهای مفید و مؤثری ارائه داده که با کاربست نظریه کنش‌های گفتاری سرل، قابل تحلیل و بررسی است. نتیجه این که احیای هویت دینی و ملی، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی، بصیرت‌افزایی و آگاه‌سازی، همبستگی اجتماعی، ایستادگی در برابر دشمنان خارجی و داخلی و حاکمان سازش‌گر و هم‌سو با اسرائیل و آمریکا، عمدتاً در کنش‌های گفتاری اظهاری و ترغیبی نمود یافته است. ضمن این که از کنش‌های دیگری مانند کنش‌های گفتاری عاطفی و اعلامی نیز بهره برده است.

واژگان اصلی: نظریه کنش گفتاری، جان سرل، شعر معاصر عربی، جنگ نرم، احمد مطر.

مقدمه

در عصر حاضر که قدرت نرم^۱ جای خود را به قدرت نظامی و اقتصادی داده و جنگ نرم هم جایگزین جنگ سخت^۲ گردیده، طبیعی است که اهداف، ویژگی‌ها، راهبردهای مقابله با این نوع جدید و ای بسا خطیر جنگ نیز متفاوت با جنگ نظامی باشد. در کنار دانش‌هایی همچون علوم سیاسی و روابط بین الملل و ... که وظیفه مهمی در جهت شناخت جنگ نرم، اهداف، ویژگی‌ها و راهکارهای مقابله با آن دارند، ادبیات نیز به مثابه بخشی از هویت ملی و یک رسانه پر قدرت و بسیار تاثیرگذار در این میان، رسالت و کارکرد خاص خود را دارد. لذا «ابزار و ادوات جنگی در این نوع جنگ، از سنخ ابزارهای فرهنگی، فکری، اندیشه‌ای و رفتاری است نه ابزارها و وسایل جنگی» (دارایی، ۱۳۹۹: ۹۷). بخشی از این ابزارها و راهکارها در خلال سروده‌ها و اشعار انقلابی شاعران معاصر عرب متجلی گشته و بر پژوهشگران و تحلیلگران ادبی است که از این ظرفیت در جهت بصیرت‌افزایی، آگاه‌سازی و توانمندسازی جامعه بویژه جوانان بهره برداری کنند. «رسانه‌ها برای نقش‌آفرینی مؤثر در عرصه جنگ نرم علاوه بر به خدمت گرفتن دانش و فن‌آوری‌های روز باید نیروی انسانی مستعد، معتقد و توانمند را در این عرصه به کار بگیرند» (تیرانداز و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۹). به طور کلی رسانه‌ها به عنوان ابزار کلیدی و شعر به مثابه رسانه‌ای قوی و تاثیرگذار، نقش مهم و فعالی در بصیرت‌افزایی، افزایش مشارکت سیاسی مردم، به صحنه آوردن توده‌ها، تضعیف موقعیت دولت‌های سازش‌گر با استعمار و صهیونیسم و حکومت‌های اقتدارگرا و سران جنگ نرم دارند و می‌توانند جنبش‌های مردمی را رهبری کنند.

در سروده‌های احمد مطر، شاعر مبارز، انقلابی و بی‌پروای عراقی بخش قابل ملاحظه‌ای از این راهبردها و راهکارها با هنرمندی تمام و با زبان و بیان زیبایی شاعرانه بازنمایی شده و با بسامد بالایی در خدمت مقابله با جنگ نرم به کار گرفته شده‌اند. احمد مطر در مجموعه اشعار «لافتات»، سران فاسد دولت‌های عربی به ویژه رژیم سازش‌گر بعثی عراق، رژیم اشغالگر صهیونیستی و آمریکای جهان‌خوار را به چالش کشیده، راهکارهای مؤثری برای مقابله با جنگ نرم آنها ارائه می‌دهد.

۱ . Soft War

۲ . Hard War

مبانی نظری پژوهش

تعریف جنگ نرم

به لحاظ تاریخی، سانزو^۱ را اولین نظریه پرداز قدرت نرم دانسته‌اند. وی که آراء و اندیشه‌های خود را ۴۰۰ سال پیش از میلاد ارائه کرد، بر این اعتقاد بود که پیروزی نهایی در جنگ، القای تسلیم به دشمن است بدون آن که حتی ضربه‌ای به دشمن وارد شود. اما این اصطلاح برای اولین بار توسط جوزف نای^۲ به ادبیات مفهومی روابط بین‌الملل وارد شد. او نظریه خود در این زمینه را در مقاله‌ای با عنوان «گمراه کنندگی استعاره انحطاط» در نشریه آتلانتیک در مارس ۱۹۹۰م مطرح کرد. و سپس در سال ۲۰۰۴م آن را در کتاب قدرت نرم خود تحت عنوان «راه موفقیت در سیاست‌های جهانی بسط داد» (درج و هدایتی شهیدانی، ۱۴۰۰: ۸۳).

جنگ نرم که در سال‌های اخیر مورد توجه دولت‌های زورگو جهت تسلط بر کشورهای در حال توسعه قرار گرفته، در فرهنگ سیاسی به معنای فروپاشی جامعه هدف است و با هدف گرفتن فکر و اندیشه ملت‌ها نقش مهمی در سست کردن حلقه‌های فکری و فرهنگی جوامع ایفا می‌کند. اگرچه تعریف جدید و اصطلاح نوظهور جنگ نرم مربوط به نیم قرن اخیر می‌شود. اما غیر قابل انکار است که واقعیت وجودی این نوع جنگ و ستیز، بسیار طولانی و هم‌پای عمر بشری بوده (کامکار، ۱۳۹۲: ۳۷) و از درون، هم‌زاد شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان و حکومت‌هاست (قربان زاده سوار و ناطقی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). جنگ نرم در برابر جنگ سخت، شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه-ای است که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد (محمدی نجم، ۱۳۸۸: ۵۹). به عبارت دیگر «جنگ نرم، استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری جامعه هدف با توسل به شیوه‌های خاص می‌باشد» (شیروودی، ۱۳۸۹: ۴۶). جنگ روانی که شگفت‌انگیزترین پدیده اجتماعی در کنار استفاده از توان جنگی است مهم‌ترین منبع برای راه اندازی را در اطلاعات و داده-های فکری می‌داند (متفکر، ۱۳۸۶: ۱۳) مهم‌ترین حوزه اعمال و تأثیرگذاری قدرت نرم بر طرف مقابل نیز حوزه رسانه است (محمدی نجم، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۹۵).

در سطح کلان و در بُعد بین‌المللی هدف جنگ نرم، مهار و منزوی‌سازی کشور از طریق اعمال

1. Sun Tzu

2. Joseph Nye

محدودیت و تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و اجماع‌سازی جهانی علیه آن است. بزرگ‌ترین نتیجه جنگ نرم، استحاله فرهنگی سیاسی و نابودی حاکمیت کشورهاست؛ زیرا با تأثیر بر اندیشه و احساس مخاطب، او را مرعوب خود می‌سازد و مخاطب بی آن که واکنشی از خود نشان دهد تسلیم دشمن شده یا در مسیر خواسته‌های او گام برمی‌دارد (سواری، ۱۳۹۶: ۹).

جنگ نرم به دلیل پیچیدگی و اتکا به قدرت نرم از ویژگی‌های بسیار و متنوعی برخوردار است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: الف) قالب‌های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی را از طریق هجوم به اعتقادات، باورها و ارزش‌های اساسی جامعه تغییر می‌دهد. آرام و تدریجی و چند وجهی است (خطیبی، ۱۳۹۴: ۷۶) ب) تضاد آفرین است و با ایجاد گسل‌های متعدد در بخش‌های گوناگون جامعه و از طریق متفاوت کردن باورها و ارزش‌ها و شکل‌دهی به رفتارهای جدید، اعضای یک جامعه را در برابر هم قرار می‌دهد. ج) همبستگی اجتماعی و وحدت ملی را بر هم می‌زند و زمینه‌های بروز بحران و درگیری‌های داخلی را فراهم می‌سازد. د) مهم‌ترین ماهیت جنگ نرم، ویژگی غیرخشونت‌آمیز بودن آن است همچنین درازمدت، بنیادی و ریشه‌ای است و ظاهر موجه و قانونی دارد (همان: ۱۶۸).

راهکارهای مقابله با جنگ نرم

بی‌شک مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین راهکار مقابله با تهدید، مدیریت تهدید است؛ یعنی حذف زمینه‌های اثر پذیری جامعه از امواج تهدید نرم که در دو محور قابل پیگیری است:

- ۱- اصلاح عوامل و زمینه‌های عینی ایجاد واگرایی شهروندان از سیاست و حکومت.
- ۲- ایجاد ارزش‌های انسجام‌بخش توسط حکومت (حسینی، ۱۳۸۱: ۳۵).

قدم اول، برخورد هوشمندانه در چنین عرصه‌ای است. بدین معنا که دشمن‌شناسی و شناخت طرح‌ها، برنامه‌ها و شیوه‌های اعمال دشمنی آنان از راهکارهای اساسی این مقابله است. تمرکز بیش از پیش بر ضرورت بصیرت و افزایش آن در سطوح مختلف به ویژه خواص و افراد تأثیرگذار جامعه در این زمینه، دارای اهمیت است (همان: ۵۸).

بازشناسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قدرت نرم توسط خواص و تعیین آن بر سطح جامعه با تمرکز بر روشن نمودن حقایق نیز از مسائل اساسی در این رویارویی به شمار می‌آید. تمرکز بیش از پیش، بر روحیه خودباوری و مبارزه با عوامل زمینه‌ساز خودباختگی به‌ویژه در زمینه توانایی‌های سیاسی،

فرهنگی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی در عرصه کارآمدی دین برای اداره جامعه نیز از ضرورت- های این مقابله و مواجهه است. برخورداری از طرح و برنامه برای مقابله با توطئه دشمنان و فراتر از آن به دست گرفتن ابتکار عمل و تهاجم به طرح‌ها و نقشه‌های آنان در زمینه شییهخون فرهنگی و تشکیل ناتوی فرهنگی و به تعبیر دیگر درگیر کردن دشمنان در خانه خود و در محل منافع آنان، در این عرصه بسیار مهم است.

توجه لازم و ضروری به مهندسی فرهنگ، هماهنگی لازم میان نهادهای فرهنگی با شکل‌دهی سامانه‌ای کارآمد و توانمندسازی مدیران فرهنگی و دیگر مدیران مؤثر در این عرصه، دارای اهمیت است. بازشناسی نمادهای ملی-دینی و تأکید بر توجه عمومی به این نمادها می‌تواند جبهه خودی را در این نبرد، تقویت کند. افزایش امید به پیشرفت و تعالی در جامعه در این راستا بسیار مهم است. بالا بردن ظرفیت مسئولیت‌پذیری مسئولان و مراکز و نهادهای مسئول، نقش مهمی در این رویارویی دارد(مرادی، ۱۳۸۸: ۹۶).

جنگ نرم و ادبیات

ادبیات با دو نوع معروف خویش، یعنی نثر و شعر و زیرمجموعه هریک از آن دو اعم از داستان، رمان، قصیده، غزل و غیره، تجلیگاه خواست‌ها، درخواست‌ها، فخر، مدح، توصیف و بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی عادی بشری است و میتوان آن را محل انعکاس افکار شاعر و نویسنده با بن‌مایه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دانست. اما جنگ نرم گرچه یک نوع نوظهور از لحاظ نام و عنوان و تعاریف در دوره حاضر است و از مصادیق پیشرفته مقابله با دشمن به شمار می‌رود اما قدمتی به بلندای تاریخ دارد و با کمی ژرف‌نگری در آثار ادبی دیرینان میتوان این نوع از برخورد و مقابله با دشمن را به طور ملموس در این آثار درک نمود. جنگ نرم دیربازی است که در آثار ادبی بر جای مانده از ادبا ظهور یافته است. به ویژه در دوره معاصر، در آثاری که در محور مقاومت و انتفاضه اعراب بر علیه اسرائیل غاصب نگاشته شده‌اند، این نوع از جنگ و تهاجم با بسامد بسیاری قابل مشاهده است. با این توصیف توجه به اشعاری که در حوزه بین‌النهرین به خصوص عراق سروده شده‌اند در این زمینه کمک شایانی کرده و به گونه‌ای روشمند، راهکارهای مقابله با جنگ نرم دشمنان را در بر دارند.

همچنان که در آثار ادبی ایران کهن، همچون شاهنامه، این نوع از برخورد با دشمن بی آن که دست به قبضه شمشیر برده شود، قابل رؤیت است. در این خصوص نظر خوانندگان عزیز را به مقاله

«جنگ نرم در داستان رستم و سهراب» از علی محمد گیتی فروز و همکاران ایشان جلب میکنیم. عرصه ادبیات، محل جولان کسانی است که با ابزار قلم و کاغذ به مقابله با جنگ نرم دشمن می‌روند و از این میدان، فاتح و مسرور هم خارج می‌شوند. اما برخی از شاعرانی که در حوزه مقاومت و مقابله با جنگ نرم به قلمفرسایی پرداخته‌اند عبارتند از: نزار قبانی، خلیل مطران، ادونیس، احمد مطر، بدر شاکر السیاب و دیگر ادیبایی که مجال ذکر نام همه آنها نیست.

زندگی شخصی و اجتماعی احمد مطر

احمد حسن مطر در سال ۱۹۵۶ در یکی از روستاهای بصره متولد شد (غنیم، ۱۹۹۸: ۴۹). شجاعت و دلیری در مبارزه با حاکمان فاسد از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی است که از همان کودکی او را به میدان مبارزه و تبعید کشاند. همین روحیه سرکش، از او مبارزی سرسخت ساخت. اشتیاق وافر او به نمایشنامه، روزنامه نگاری، داستان کوتاه و کاریکاتور در شکل‌گیری شخصیت علمی او بسیار مؤثر بود فعالیت‌های اجتماعی او به ویژه روزنامه‌نگاری و کاریکاتور که ظلم و جور نظام سلطه را آشکار می‌ساخت و مردم را به جنبش و مقابله علیه ظلم و ستم ایشان فرا می‌خواند، بارها به تبعید او انجامید (همان: ۵۲-۴۳).

نظریه کنش‌گفتاری جان سرل

نظریه کنش‌گفتاری سرل که به تحلیل رابطه زبان با کاربران آن می‌پردازد بر این فرض مبتنی است که سخن گفتن به یک زبان، وارد شدن در نوعی رفتار قاعده‌مند و بسیار پیچیده است (سرل، ۱۹۶۹: ۲۲). طبق نظریه کنش‌گفتار سرل «هر گفتاری یک کنش به شمار می‌رود» (بریتون، ۲۰۰۰: ۳۰۲). اصل مورد نظر سرل، یا همان اصل بیان‌پذیری نیز ناظر بر آن است که هرچه را بتوان قصد کرد می‌توان بیان کرد (سرل، ۱۹۶۹: ۱۹). در اهمیت نظریه کنش‌گفتار، همین بس که برخی از صاحب‌نظران معتقدند «کنش‌های انسانی از طریق کنش‌های گفتاری بروز پیدا می‌کند» (پویترس، ۲۰۰۸: ۳۳۷) و گوینده با بیان هر جمله، سه نوع کنش جداگانه انجام می‌دهد:

الف) کنش تلفظی: کنشی گفتاری که شامل به کارگیری لفظی واحدهای بیانی نظیر کلمات و جملات است (سرل، ۱۹۶۹: ۲۳-۵۲).

ب) کنش گزاره‌ای: کنش گفتاری کاملی که در یک جمله معمولی بیان شده و شامل انتقال محتوای گزاره‌ای آن جمله و همچنین حمل یا اسناد خبری به وسیله گوینده است (عبدالهیان و

باقری، ۱۳۹۶: ۲۴۷). برای نمونه، وقتی شخصی بگوید «علی آمد»، نخست گوینده، کنش تلفظی انجام داده، یعنی کلمات معناداری ادا کرده، سپس گوینده کنش دومی به نام کنش گزاره‌ای انجام داده؛ بدین معنا که از «علی» سخن گفته و «آمدن» را بر «علی» حمل کرده است.

ج) کنش منظوری: در مرحله بعد، گوینده فعل یا کنش منظوری انجام داده و با گفتن جمله «علی آمد» آمدن علی را اظهار کرده است؛ یعنی گوینده با اظهار جمله پیش گفته، کنش منظوری را انجام داده است (سرل، ۱۹۶۹: ۲۵).

بار منظوری: مرکب است از هدف منظوری یک جمله، پیش فرض‌ها و رفتارهای خاصی که باید توأم با آن هدف باشد، که شامل موارد زیر می‌شود: نیروی هدف منظوری، شرایط محتوای گزاره‌ای، حالت انجام، شرایط صداقت و نیروی شرایط صداقت (عبدالهیان و باقری، ۱۳۹۶: ۲۴۷). در اهمیت هدف منظوری همین بس که هدف منظوری، هدف اصلی گوینده از بیان جمله است (همان: ۲۴۸).

سویه تطبیق: سویه مطابقت بین جهان و کنش گفتاری است که برای انجام موفق کنش، ضروری است. سویه مطابقت در کنش‌های گفتاری کلمات - جهان / جهان - کلمات / هر دو یا هیچ کدام است (سرل، ۱۹۷۶: ۱۰).

شرایط صداقت: وضعیت روانی گوینده در باب محتوای گزاره‌ای یک کنش منظوری است (عبدالهیان و باقری، ۱۳۹۶: ۲۴۷).

کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم: وقتی گوینده به مخاطب می‌گوید «پنجره را ببند»، از کنش گفتاری مستقیم استفاده کرده است و وقتی می‌گوید «هوا خیلی سرد است» و منظورش این است که مخاطب پنجره را ببندد، از کنش گفتاری غیرمستقیم استفاده کرده است. هرچند وجود شروطی، ضروری است. جان سرل، کنش گفتاری منظوری را به پنج دسته اظهاری، تعهدی، عاطفی، ترغیبی و اعلامی تقسیم می‌کند:

اظهاری: هدف کنش‌های اظهاری، بیان چگونگی چیزهاست. در جمله‌های اظهاری گوینده، همچنان که گزاره‌ای را ارائه می‌دهد، وضعیت امور واقعی را در جهان جمله بازنمایی می‌کند؛ به بیانی دیگر، گوینده، جهان خارج را در اظهارات، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها و... آن گونه که باور دارد، تصویر می‌کند.

ترغیبی: هدف در کنش ترغیبی، واداشتن مخاطب به انجام یا ترک کاری است که می‌تواند در قالب التماس، درخواست، پیشنهاد، یا فرمان صورت پذیرد. در این کنش، گوینده می‌خواهد بین جهان خارج با وضعیت مطلوب خود از طریق مخاطب، مطابقت ایجاد کند.

تعهدی: در جمله‌های تعهدی، هدف گوینده موظف داشتن خود به تحقق بخشیدن کاری است که در محتوای گزاره‌ای بیان کرده است. گوینده با کنش تعهدی از طریق خود، بین جهان خارج و وضعیت مطلوب خود مطابقت ایجاد می‌کند.

عاطفی: هدف کنش عاطفی، بیان احساسات و حالت‌های روان‌شناختی و دیدگاه‌ها است. در جمله‌های عاطفی، هدف گوینده بیان برخی حالت‌های روان‌شناختی درباره وضعیت اموری است که در محتوای گزاره‌ای بیان شده است. در این کنش، انطباق جهان و ذهن وجود ندارد.

اعلامی: هدف کنش اعلامی تغییر واقعی در جهان خارج، از طریق گفتن چیزی است. در جمله‌های اعلامی هدف گوینده پدیدآوردن وضعیت امور بیان شده در محتوای گزاره‌ای است که به درستی انجام موفقیت آمیز کنش گفتاری منحصر است (همان: ۲۴۸).

شیوه سه گانه تأثیرگذاری: در این شیوه هر جمله هم زمان می‌تواند بیش از یک کنش منظوری را انجام دهد. به بیانی دیگر، نویسنده اثر، از طریق نوشتن جمله‌ها می‌تواند علاوه بر انجام کنش اظهاری، کنش عاطفی را نیز صورت دهد (جلالی، ۱۳۹۵: ۸۵).

راهکارهای مقابله با جنگ نرم در شعر احمد مطر بر اساس نظریه سرل

الف) تأکید بر هویت دینی و ملی

هویت دینی یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت‌یابی افراد درون جامعه، حفظ و دفاع از آن‌ها در برابر هرگونه تعدی و تهدیدی دارد. از آن‌جا که راهکارهایی که احمد مطر برای مقابله با جنگ نرم ارائه می‌دهد از مکتب اسلام سرچشمه گرفته، تنها به عراق اختصاص ندارد و با توجه به جهان‌شمولی اسلام، در سطح جهان نیز هدایت‌گر و فراگیر است. احمد مطر در سروده زیر تنها راه‌هایی از ترس و هراس و ناامنی و دیگر تهدیدات جنگ نرم در جامعه-اش را در توسل به خداوند می‌جوید و با کنش گفتاری اظهاری همواره به دنبال مأمّن و ملجأ است و در نهایت تنها راه نجات را در درگاه خدا می‌یابد:

مَنْ لِي؟

أَلْجَأُ لِلصُّبْحِ. وَلَكِنْ شَمْسُهُ

تَأْمُرُ أَنْ يَتَّبِعَنِي ظِلِّي

أَهْرَبُ مِنْ خَوْفِي عَلَى خَوْفِي إِلَى خَوْفِي

أُرْكُضُ وَالْمَوْتُ عَلَى خَفِي

يَدُ الرَّدَى عَلَى يَدِي
 يَدُ الرَّدَى قُبَاتِي
 يَدُ الرَّدَى خَلْفِي
 تَحَوَّلَتْ خَرِيطَةُ الْأَرْضِ إِلَى سَيْفٍ
 مُلْطَخٍ بِالْدَمِ وَالْخَوْفِ
 أَهْرَبُ نَحْوَ اللَّهِ
 أُدْوِرُ حَوْلَ بَيْتِهِ
 أَسْمَرُ الْأَيْدِينَ فَوْقَ بَابِهِ
 أَقُولُ: يَا اللَّهُ
 أَصِيحُ: يَا اللَّهُ
 أَصْرُخُ: يَا اللَّهُ (مطر، ۲۰۰۸: ۶۳).

(ترجمه: چه کسی را دارم؟/ به صبح پناه می‌برم اما خورشیدش/ از من می‌خواهد که سایه‌ام به دنبالم بیاید/ از ترسی که از خودم دارم به سوی خودم می‌گریزم/ درحالی‌که مرگ در کفش‌هایم و در وجودم خانه دارد فرار می‌کنم/ دست مرگ در دستم/ دست مرگ پیش رویم/ دست مرگ پشت سرم/ نقشه زمین به شمشیری آغشته به خون و ترس بدل گشته/ به سوی خدا می‌گریزم گرد خانه- اش طواف می‌کنم/ شب دستهایم را روی خانه‌اش می‌کشم/ می‌گویم ای خدا/ فریاد برمی‌آورم ای خدا/ نهیب می‌زنم ای خدا).

بخش آغازین این سروده، با کنش گفتاری عاطفی آغاز شده است. «کنش گفتاری عاطفی به معنای بیان شرایط و حالات روحی، روانی گوینده هنگام ایراد کلام است» (نحله، ۲۰۰۲: ۸۰) و هدف آن، «بیان حالت روانی است که گوینده را در بیان آنچه که حس می‌کند یاری می‌کند. شادی، اندوه، درد، حزن، محبت، کینه و ترس از مهم‌ترین حالات و شرایط روانی است که گوینده ممکن است در کلام خود آن‌ها را ابراز نماید تا این حالات را با مخاطبانش به اشتراک بگذارد» (حسنوند، ۱۳۹۸: ۶۰) وضعیت این جامعه‌ی آشفته با استفاده از کنش گفتاری اظهاری به زیبایی و ظرافت، تبیین و توصیف شده و شاعر با آگاهی و شناخت و بینش سیاسی دقیقی که دارد شرایط و تهدیدات آن را با مرگ برابر دانسته و جز خدا پناهی نمی‌یابد. شاعر همچنین با تکرار منادای «یا الله» به طور غیرمستقیم و با کنش ترغیبی از خدا می‌خواهد تا در مقابله و مواجهه با مخاطرات، تهدیدات و ناامنی‌های آشکار و

نهان جنگ نرم، در امان و در پناه رحمت او باشد.

شاعر در سروده «قَمَمٌ بَارِدَةٌ» بار دیگر ولی این بار با کنش گفتاری اظهاری و با زبان و بیان نمادین به توصیف سختی‌های راه مبارزه پرداخته و این بار از حضرت محمد (ص) استمداد می‌جوید:

قَمَمٌ أُخْرَى
وَفِي الْوَادِي جِيَاعٌ تَتَنَهَّدُ
قَمَمٌ أُخْرَى
وَقَعْرُ السَّهْلِ أُجْرَدُ
قَمَمٌ أَعْلَى... وَأَبْرَدُ
يَا مُحَمَّدَ
يَا مُحَمَّدَ
يَا مُحَمَّدَ
إُبْعَثِ الدَّفْعَ
فَقَدْ كَادَ لَنَا عَزَى
وَكِدْنَا نَتَّجَمِدُ! (مطر، ۲۰۰۸: ۲۱).

(قله‌ای دیگر/ در دره، گرسنگانی هستند که از درد و اندوه، آه می‌کشند/ قله‌ای دیگر/ و پایین دشت، برهنه است/ قله‌ای بلندتر... و سردتر/ ای محمد/ گرما بفرست/ کم مانده که از دست برویم/ کم مانده که یخ بزنیم).

در خصوص نقش و جایگاه هویت ملی در ذهن و اندیشه و شعر احمد مطر نیز باید افزود مطر همواره بر اصل و تبار عربی خود تأکید داشته و علیرغم این که بارها از سرزمین آباء و اجدادی‌اش تبعید شده، همواره از دل‌تنگی‌هایش نسبت به شهر و دیار و خانواده‌اش سخن رانده است. در جایی می‌گوید: «من فرزند جامعه‌ای عربی و پرورش یافته تمدن اسلامی هستم و در اعماق وجودم آثار و نشانه‌های بسیار زیاد و غیر قابل نقصانی از آن نشانه‌ها است» (غنیم، ۱۹۹۸: ۴۳):

يَا وَطَنِي
ضِقَّتْ عَلَيَّ مَلَامِحِي
فَصَرَّتْ فِي قَلْبِي
وَكُنْتُ لِي عُقُوبَةً

وَ إِنِّي لَم أَقْتَرِفِ سِوَاكَ مِنْ ذَنْبٍ!
 ضَرَبْتَنِي
 كُنْتَ أَنْتَ ضَارِبِي.. وَمَوْضِعَ الضَّرْبِ
 طَرَدْتَنِي
 فَكُنْتَ أَنْتَ خَطُوتِي
 أَصْبَحْتَ فِي حَبِي
 مُعْجِزَةً
 حِينَ هَوَى قَلْبِي.. فَدَى قَلْبِي!
 يَا قَاتِلِي
 سَامَحَكَ اللَّهُ عَلَى صَلْبِي
 كَفَاكَ أَنْ تَقْتُلَنِي
 مِنْ شِدَّةِ الْحُبِّ! (مطر، ۲۰۰۸: ۳۱).

(ترجمه: وطنم! از صفات و ویژگی‌هایم به تنگ آمدی/ در دل و جانم جا گرفتی/ و در حالی که هیچ‌گناهی جز خودت و عشقت نداشتم مجازاتم کردی/ مرا زدی/ هم ضاربم شدی و هم محل ضرب/ مرا از خودت راندی/ ولی خودت قدم‌های من شدی/ در عشقم به خود معجزه‌های شدی/ آن‌گاه که عاشقت شدم قلبم فدای تو شد/ ای قاتل من/ به خاطر به صلیب کشیدنم خدا تو را ببخشد! بس کن و دست بردار از گُشتنم به خاطر شدت دوست داشتنم و اشتیاق به تو).
 شاعر در این سروده، با کنش‌گفتاری اظهاری و عاطفی، مهر و عشق و علاقه قلبی خود به میهن و وطنش و در مقابل جفای وطن در تبعید و رانده شدن از میهن را با هنرمندی تمام به تصویر می‌کشد و با کاربست صنعت مقابله، کنش اظهاری را تقویت می‌کند.

احمد مطر در سروده‌ی دیگری به نام «اللُّغْزُ» بار دیگر بر اهمیت وطن‌دوستی در مقابله با هر تهدیدی تأکید می‌کند و برای این منظور، از کنش‌گفتاری غیر مستقیم و از اسلوب گفتگو بهره می‌برد:

قَالَتْ أُمِّي مَرَّةً
 يَا أَوْلَادِي
 عِنْدِي لُغْزٌ
 مَنْ مِنْكُمْ يَكْشِفُ لِي سِرَّهُ

تَابُوتٌ قَشْرَتُهُ حَلْوَى
سَاكُنُهُ حَشَبٌ
وَالْقَشْرَةُ
زَادٌ لِلرَّائِحِ وَالْغَادِي
قَالَتْ أُخْتِي: التَّمْرَةُ
حَضَّتْهَا أُمِّي ضَاكِحَةً
لَكِنِّي حَفَنْتِي الْعَبْرَةَ
قُلْتُ لَهَا

بَلْ تَلِكْ بِلَادِي (مطر، ۲۰۰۸: ۱۲-۱۳).

(ترجمه: مادرم روزی گفت: فرزندانم/معمایی دارم/کدام یک از شما می‌تواند رازش را بفهمد؟/جعبه‌ای است که غلاف و پوشش آن، شیرینی است/داخلش چوب است/پوشش آن برای مسافر شب و روز حکم توشه را دارد/خواهرم گفت: خرما/مادرم، خندان او را به آغوش کشید/ولی اشک مرا فشرده/به مادرم گفتم: بلکه سرزمین من است).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود شاعر با استفاده از کنش گفتاری غیرمستقیم، با خلق فضای نمایشی و استفاده از شخصیت‌های مادر، خواهر، برادر و بهره‌گیری از کنش گفتاری ترغیبی که عمدتاً در قالب جملات پرسشی و استفهامی نمود یافته، فرزندان و کودکان خود را به وطن‌دوستی تشویق و ترغیب می‌سازد. «هدف از کنش ترغیبی، ترغیب مخاطب بر انجام کاری است؛ یعنی گوینده سعی می‌کند کاری کند که شنونده چیزهایی انجام دهد و جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عمل آتی شنونده است تطبیق دهد» (جلالی و صادقی، ۱۳۰۹: ۵۶).

در سروده زیر ضمن این که با استفاده از کنش گفتاری عاطفی تأسف خود را از وضعیت قدس و نیز احساس شرم و خجلت از ناتوانی و عجز خود در کمک به اصلاح وضعیت قدس را بیان می‌کند، با کنش گفتاری اظهاری جایگاه خود و نداشتن اختیار و قدرت در سامان بخشیدن به وضعیت نامطلوب قدس و نجات آن از شر رژیم مستبد و اشغالگر اسرائیل را تبیین می‌کند:

يَا قُدْسُ مَعْدِرَةٌ وَمَتَلِي لَيْسَ يَعْتَدِرُ
مَالِي يَدْفِي مَا جَرَى فَالْأَمْرُ مَا أَمْرُوا
وَأَنَا ضَعِيفٌ لَيْسَ لِي أَتْرٌ

عَارٌ عَلَى السَّمْعِ وَالْبَصَرِ
وَأَنَا بَسِيفِ الْحَرْفِ أَنْتَحِرُ
وَأَنَا اللَّهَيْبُ ... وَقَادَتِي الْمَطْرُ
فَمَتَى سَأَسْتَعِرُ (مطر، ۲۰۰۸: ۳۰).

(ترجمه: ای قدس پوزش می طلبم/در حالی که امثال من عذرخواهی نمی کنند/در آنچه که رخ داده من نقشی ندارم/امر اربابانی است که دستور داده اند/و من، ناتوان و عاجز و ضعیف و بی-اثر/شنیدن و دیدن ننگم باد/من با شمشیر حروف، خودکشی می کنم/من شراره آتشم و رهبرانم باران/پس کی شعله ور توانم شدا!).

در ادامه همین سروده، با کنش گفتاری غیر مستقیم و به طور مشخص، با کنش گفتاری عاطفی و در قالب جملات شرطی، احساس ضعف و ناتوانی و نداشتن اختیار در قبال وضعیت موجود و در نتیجه خشم خود را از عاملان این وضعیت یعنی اشغال قدس را بیان می دارد و در سطرهای پایانی، حاکمان ظالم را به مثابهی بت هایی از جنس بشر تلقی کرده با کنش گفتاری اظهاری و با بهره گیری از طنزی تلخ و گزنده، مکر و فریبکاری آنان را توصیف می کند. در پایان نیز با کنش گفتاری اظهاری به زبان نمادین به مقایسه مبارزه و رویارویی با دشمن در مقابل سازش و صلح با آنان می پردازد:

لَوْ أَنَّ أَرْبَابَ الْحَمَى حَجَرٌ
لَحَمَلْتُ فَأَسَأُ دُونَهَا الْقَدْرُ
لَكُنْمَا أَصْنَامَنَا بَشَرٌ
الْعَدْرُ مِنْهَا خَائِفٌ حَذَرٌ
وَالْمَكْرُ يَشْكُو الضَّعْفَ إِنْ مَكْرُوا
فَالْحَرْبُ أُغْنِيَهُ يَجِنُ بِلِحْنِهَا الْوَتْرُ
وَالسَّلْمُ مُخْتَصِرٌ:

ساقٌ عَلَى سَاقٍ
وَأَقْداحٌ يُعَرِّشُ فَوْقَهَا الْخَدْرُ
وَمَوَائِدُ مِنْ حَوْلِهَا بَقَرٌ (مطر، ۲۰۰۸: ۳۰).

(ترجمه: اگر حاکمان خشمگین سنگ بودند/ تبری برمی داشتم و با سرنوشت می جنگیدم/ ولی اینان، بت هایی از جنس بشر هستند/ بت هایی که خیانت از ایشان می ترسد و کناره می گیرد/ و مکر و فریب از

ضعف ایشان شکایت دارد/ جنگ، سرودی است که با زخمه ساز به جنون درمی آید/ ولی صلح مختصر و کوتاه است/ ساقی پی ساقی/ و جامها و پیمانه‌هایی که از عصاره درخت انگور روی داربست‌هاست و بدن را بی حس و کرخت و بی اراده می سازد/ و سفره‌هایی که دورتادورش گاوها نشسته‌اند).

ب) افزایش بصیرت آحاد جامعه و به‌ویژه جوانان و نخبگان

بصیرت یکی از مهم‌ترین راهبردهای ارائه شده و به تعبیر مقام معظم رهبری قطب‌نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است. احمد مطر در نخستین سروده خود در *الأعمال الشعریه الکامله*، اوضاع نابسامان اجتماعی حاکم بر زمانه خود، اعم از تزویر و تحریف حاکمان و در مقابل، ترس و وحشت مردم از وضعیت پیچیده و ناسالم اجتماعی را که مستعد جنگ نرم است، درکنش گفتاری مستقیم و کنش گفتاری اظهاری و در قالب جمله‌های خبری به زیبایی توصیف کرده، نقش و قدرت شعر و قلم را در آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی برابر با قدرت شمشیر می‌داند:

سَبْعُونَ طَعْنَةً هُنَا مَوْصُولَةٌ الزَّيْفِ

تَبْدِي وَلَا تُخْفِي

تَغْتَالُ خَوْفَ الْمَوْتِ فِي الْخَوْفِ

سَمِيَّتْهَا قَصَائِدِي

وَسَمَّهَا يَا قَارِئِي: حَتْفِي

وَسَمَّنِي مُتَّحِرًا بِخَنْجَرِ الْحَرْفِ

لَأُنْتِي فِي زَمَنِ الزَّيْفِ

وَالْعَيْشِ بِالْمِزْمَارِ وَالْدُّفِّ

كَشَفْتُ صَدْرِي دَفْتَرًا

وَفَوْقَهُ كَتَبْتُ هَذَا الشُّعْرَ... بِالسَّيْفِ

(مطر، ۲۰۰۸: ۶).

(ترجمه: این جا هفتاد زخم آشکارا در حال خونریزی است/ نه پنهان و در خفا/ ترس از مرگ، مرگ را می‌کشد/ من این ترس‌ها را چکامه‌هایم نامیدم/ تو اما آن‌ها را مرگ من بنام! ای خواننده قصیده‌هایم! و کسی بنام که با خنجر حروف، خودکشی می‌کند/ چون من در روزگار جهل و دروغ و زندگی با ساز و دف قراردارم/ سینه‌ام را دفتری ساخته و در آن، با شمشیر این سروده را نوشتم).

در کنش اظهاری، هدف توصیف حالت یا حادثه‌ای است و گوینده، عقیده‌ی خود را درباره مطلبی اظهار می‌کند (صفوی، ۱۳۸۷: ۸۲). در سروده‌ی ذیل نیز احمد مطر، توصیفی از وضعیت اجتماعی جامعه خود که از قضا برای جنگ نرم، وضعیت و فضای مناسبی فراهم می‌سازد، ارائه می‌دهد. در ادامه برای مقابله با این وضعیت، یعنی جهل، غفلت، رکود و فضای مسموم دشمن، با کنش گفتاری اظهاری به مردم جامعه هشدار می‌دهد که از خواب گران برخیزند و متوجه اتفاقات و وقایع پیرامون خود باشند:

صَبَّاحَ هَذَا الْيَوْمِ
أَيَقْظَنِي مِنْهُ السَّاعَةُ
وَقَالَ لِي يَا ابْنَ الْعَرَبِ

قَدْ حَانَ وَقْتُ النَّوْمِ (مطر، ۲۰۰۸: ۹).

(ترجمه: صبح امروز، زنگ ساعت، بیدارم کرد و گفت ای پسر عرب وقت خواب شده). احمد مطر که نقطه عطفی در بیداری جوانان است همواره الگوی منطقی و ملموسی برای جنبش‌ها و خیزش‌های بیداری ارائه می‌دهد. «از دیدگاه هانتینگتون، کشورهایی که اکثریت ساخت جمعیتی آن را جوانان تشکیل می‌دهند مستعد تحولات و تغییرات بیشتری هستند» (خواجه سروی، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

همچنین در سروده «التكفير والثورة» با کنش گفتاری اعلامی با شعر غیر متعهد که به رسالت خود در جهت مقابله با ظلم و جور و جنگ عمل نکرده به نوعی اتمام حجت می‌کند. از آن‌جا که «کنش‌های اعلامی یا اثباتی به توصیف حالات و شرایط موجود در عالم خارج می‌پردازند» (نحله، ۲۰۰۲: ۷۸) مطر نیز با این نوع شعر، موضع فکری، باورها و اعتقادات قلبی خود را در خصوص شعر منفعل، شعر غیر متعهد و بی تفاوت، بیان می‌دارد و با کنش گفتاری اعلامی به جنگ با آن رفته و اعلان بیزاری می‌کند:

كَفَرْتُ بِالْأَقْلَامِ وَالْأَدْفَاتِرِ
كَفَرْتُ بِالْفُصْحَى الَّتِي
تَجْبِلُ وَ هِيَ عَاقِرٌ
كَفَرْتُ بِالشَّعْرِ الَّذِي
لَا يُوقِفُ الظُّلْمَ وَلَا يُحَرِّكُ الضَّمَائِرَ

لَعْنَتُ كُلِّ كَلِمَةٍ
 لَمْ تَنْطِقْ مِنْ بَعْدِهَا مَسِيرَةً
 وَ لَمْ يَخْطُ الشَّعْبُ فِي آثَارِهَا مَصِيرَةً
 لَعْنَتُ كُلِّ شَاعِرٍ
 يُعَازِلُ الشَّفَاهَ وَ الْأَنْدَاءَ وَ الضَّفَائِرَ
 فِي زَمَنِ الْكِلَابِ وَ الْمَخَافِرِ
 وَ لَا يَرَى فُوَهَةً بِنْدُقِيَّةً
 حِينَ يَرَى رُمَانَةً نَاسِفَةً
 وَ لَا يَرَى مَشَقَّةً
 حِينَ يَرَى الضُّفَيْرَةَ!
 فِي زَمَنِ الْآتِينَ لِلْحُكْمِ
 عَلَي دَبَابَةِ أُجَيْرَةٍ
 أَوْ نَاقَةِ الْعَشِيرَةِ
 لَعْنَتُ كُلِّ شَاعِرٍ
 لَا يَقْتَنِي قُنْبَلَةً
 كَي يَكْتُبَ الْقَصِيدَةَ الْأَخِيرَةَ (مطر، ۲۰۰۸: ۷۵-۷۶).

(ترجمه: به قلم‌ها و دفترها کفر ورزیدم/به زبان فصیحی که باردار می‌شود ولی عقیم است کفر ورزیدم/از شعری که مانع ظلم نمی‌شود و جان‌ها را به حرکت و خروش و انمی‌دارد، بی‌زاری جستم/ به هر واژه‌ای که از پی آن تظاهراتی به پا نمی‌شود و حرفی زده نمی‌شود/و در پی آن، ملت برای سرنوشت خود، برنامه‌ریزی نمی‌کند، نفرین کردم/هر شاعری را که در روزگار سگ‌ها و پاسگاه‌ها برای لب و سینه و طره گیسو غزل می‌گوید ولی لوله اسلحه را نمی‌بیند، نفرین کردم/ به هر شاعری که موی یافته شده را می‌بیند ولی طناب دار را نه، لعنت فرستادم/و هر شاعری که انار را مثل بمب می‌بیند/در روزگار حاکمان نشسته بر تانک اجاره‌ای یا شتر عشیره/هر شاعری را که بمبی بر نمی‌گیرد تا آخرین قصیده را بسراید، نفرین کردم).

کنش اعلامی می‌تواند دارای معانی مستقیم مانند توصیف کردن یا خبر دادن باشد یا ممکن است به صورت غیر مستقیم بر مدح، وعده، دعا و... دلالت داشته باشد» (حسنوند، ۱۳۹۸: ۶۱). در این

سروده، کنش گفتاری اعلامی از نوع مستقیم است که به توصیف صریح و بی‌پرده وضعیت جامعه و کارکرد منفعل و بغرنج شعر به عنوان زبان رسانه پرداخته و از این که برای مقابله با جنگ نرم و پیشگیری از تحقق اهداف دشمن کاری نمی‌کند نفرین کرده و از شعر بیزاری می‌جوید.

همچنین در سروده دیگری با عنوان «البیان الأول» بار دیگر با کنش گفتاری اظهاری و عاطفی بر

نقش قلم و شعر در بصیرت‌افزایی جامعه تاکید می‌کند:

قَلَمِي وَسَطَ دَوَاةِ الْحَبِيرِ غَاصٌ

ثُمَّ غَاصٌ

ثُمَّ غَاصٌ

قَلَمِي فِي لُجَّةِ الْحَبِيرِ اخْتَنَقَ

وَ طَفَّتْ جِثَّتُهُ هَامِدَةً فَوْقَ الْوَرَقِ

رُوحُهُ فِي زَيْدِ الْأَحْرَفِ ضَاعَتْ فِي الْمَدَى

وَ دَمِي فِي دَمِهِ ضَاعَ سَدَى

وَ مَضَى الْعُمْرُ وَ لَمْ يَأْتِ الْخَلَّاصُ

بَلَطَةُ الْجَزَارِ لَا يَذْبَحُهَا قَطْرُ النَّدَى

لَا مَنَاصُ

أَنْ لِي أَنْ أَتْرَكَ الْحَبِيرَ

وَ أَنْ أَكْتُبَ شِعْرِي بِالرِّصَاصِ (مطر، ۲۰۰۸: ۷۰).

(ترجمه: قلمم میان جوهر، غوطه‌ور شد/سپس غوطه‌ور شد/پس غوطه‌ور شد/ قلمم وسط

جوهر، غرق شد خفه شد/جسدش، روی ورق، سرد شد/ و روحش در کف حروف در افق محو

شد/ خونم در خونس بیهوده تباه شد/ عمرم تمام شد اما رهایی نیافتم/ قطره، تیشهٔ سلاخ را ذبح نمی-

کند و سر نمی‌برد/ راه فراری نیست/ وقت آن، رسیده که جوهر را به کناری بیندازم/ و با گلوله،

واپسین چکامه را بنویسم).

ج) احیاء و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

تعاریف متعددی از مفهوم شهادت در برابر ظلم و بی‌عدالتی آورده شده است: «فرهنگ

شهادت عبارت است از مجموعهٔ آگاهی‌ها، باورها، آداب، اعتقادات و اعمالی که موجب وصل

شدن انسان به عالی‌ترین و والاترین درجه کمال یعنی مرگ آگاهانه در راه خدا می‌شود. هر گونه آثار باقی مانده از شهدا درباره شهادت و شهید، سیره، روش و پیام شهیدان و بالاخره تربیت پاک و مقدس آنان، بخشی از این فرهنگ محسوب می‌شود» (عربی و حاتمی، ۱۳۹۳: ۷). رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز به خوبی به این مسأله واقف بوده‌اند آن‌جا که فرمودند: «اسلام در کشور ما می‌رفت تا به تباهی کشیده شود که با خون شهیدان، ملت ما حیات خود را باز یافت» (همان). احمد مطر در این خصوص می‌گوید:

قَطُّعُوا الزَّهْرَةَ

قَالَتْ:

مِنْ وَرَائِي بُرْعَمٌ سَوْفَ يَثُورُ

قَطُّعُوا الْبُرْعَمَ

قَالَتْ:

غَيْرُهُ يَبْضُ فِي رَحِمِ الْجُدُورِ

قَلِّعُوا الْجُدُورَ مِنَ التُّرْبَةِ

قَالَتْ: إِنِّي مِنْ أَجْلِ هَذَا الْيَوْمِ

خَبَّاتُ الْبُدُورِ

كأمنٌ تُأْرِي بِأَعْمَاقِ الثَّرَى

وَ غَدَاً سَوْفَ يَرَى كُلُّ الْوَرَى

كَيْفَ تَأْتِي صَرَخَةَ الْمِيْلَادِ

مَنْ صَمَّتِ الْقُبُورُ

تَبْرُدُ الشَّمْسُ وَ لَا تَبْرُدُ نَارَاتُ الزُّهُورِ (مطر، ۲۰۰۸: ۴۲۱).

(ترجمه: گل را چیدند/ گفت: / از پس من غنچه‌ای خواهد شکفت/ شکوفه را بریدند/ گفت: / غنچه دیگری از رحم ریشه‌ها خواهد تپید/ ریشه‌ها را از خاک برکشیدند/ گفت: برای این روز/ دانه‌ها را در اعماق خاک پنهان کرده بودم انتقام خود را پنهان کرده بودم/ فردا همه مردم خواهند دید/ که چگونه فریاد تولد/ از سکوت قبر بلند خواهد شد/ خورشید سرد می‌شود اما قیام گل‌ها هرگز).

هدف از کنش‌آزمایی در این قطعه که به توصیف کم و کیف شهادت فرزندان و تولد مبارزان دلیر و جوان از خون ایشان اختصاص دارد، تبیین و تقویت باورهای عمیق هم‌کیشان و هم‌میهنان

احمد مطر در خصوص فرهنگ ایثار و شهادت و اعتقاد ایشان به زنده بودن شهدا و ادامه راه شهدا و ادامه مبارزه تا ابد و تا زمان سرد شدن و خاموشی خورشید است. می‌توان گفت احمد مطر با تکیه بر بینش سیاسی دقیق خود و با بهره‌گیری از کنش گفتاری اظهاری و عاطفی توانسته با دیپلماسی فرهنگی به مقابله با تهدیدات جنگ نرم برود.

د) تأکید بر هویت و هدف مشترک و همبستگی اجتماعی

در سروده‌های احمد مطر همواره بر اتحاد و همبستگی به عنوان یکی از اصول راهبردی مقابله با جنگ نرم تأکید شده است. وجود دشمن مشترک یعنی اسرائیل و آمریکا آرمان‌ها و باورهای مشترک و... زمینه مناسبی برای درک متقابل و همبستگی مردم در برابر تهدیدات جنگ نرم فراهم می‌سازد. همچنین مناسک و مناسبت‌هایی همچون عاشورا، عزاداری، نوحه‌خوانی، حماسه‌آهنگ امام حسین (ع) مفاهیمی هستند که موجب همبستگی شیعیان در طول تاریخ مبارزاتشان شده و انگیزه‌ای قوی به منظور همدلی، اتحاد و اتفاق به آن‌ها بخشیده است. در سروده زیر شاعر با کنش گفتاری اظهاری و با توصیف صداقت و راستی و بیان تعهد خود درخصوص سخنانش، هم‌میهنان خویش را به اقامه نماز جماعت در قدس فرامی‌خواند و همبستگی ملی را یادآوری می‌کند:

إِسْمَعُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْتَقِدُونِي

يَا جَمَاعَةَ

كَسْتُ كَذَابًا

فَمَا كَانَ أَبِي حَزْبًا

وَلَا أُمِّي إِذَاعَةَ

كُلِّ مَا فِي الْأَمْرِ

أَنَّ الْعَبْدَ

صَلَّى مُفْرَدًا بِالْأُمْسِ

فِي الْقُدْسِ

وَلَكِنَّ الْجَمَاعَةَ

سَيَصِلُونَ جَمَاعَةً (مطر، ۲۰۰۸: ۱۱).

(ترجمه: پیش از آن که مرا از دست دهید به من گوش کنید/ ای مردم/ من دروغگو نیستم/

پدرم هم وابسته به هیچ حزبی نبود/ مادرم هم سخن‌گو نبوده/ همه آن‌چه اهمیت دارد این است که/

بنده خدا دیروز در قدس تنها نماز گزارد/ ولی مردم به زودی در قدس نماز جماعت خواهند خواند).

ه) ایستادگی در برابر استکبار جهانی و عدم سازش با جریان مصلحت‌اندیش داخلی
ایستادگی در برابر دشمن و به طور خاص استکبار جهانی و عدم سازش با جریان مصلحت-
اندیش، سازش‌کار و تحمیل‌گر داخلی از دیگر راه‌های مقابله با جنگ نرم در سروده‌های احمد
مطر است. این راهکار مبتنی بر رهایی از ساختار سلطه و نفوذ شریک و غرب و هنجارها و قواعد
جنگ نرم از سوی ابرقدرت‌هاست. در سروده «لمن نشکو مآسینا»، احمد مطر با کنش گفتاری
اظهاری و به شیوه تهاجم و تمسخر، وابستگی حاکمان کشورش به استکبار جهانی و اتخاذ سیاست-
های هم‌سو با آن‌ها را هجو کرده، بی‌کفایتی حاکمان در مبارزه با استعمار و نجات قدس و فلسطین را
با طنزی تلخ و گزنده و در سطور شعری به هم پیوسته و دنباله‌دار تبیین می‌کند:

وَلَاةَ الْأَمْرِ .. مَا خُتِمَ وَلَا هِتَمُّ

وَلَا أَبْدَيْتُمُ اللَّيْنَا

جَزَاكُم رُبْنَا خَيْرًا

كَفَيْتُمُ أَرْضَنَا بَلْوَى أَعَادِينَا

وَحَقَّقْتُمُ أَمَانِينَا

وَهَذِي الْقُدْسُ تُشْكُرْكُمُ

فَفِي تَهْدِيدِكُمْ حِينَا

وَفِي تَهْدِيدِكُمْ حِينَا

سَحَقْتُمُ أَنْفَ أَمْرِيكََا

فَلَمْ تُنْقَلْ سِفَارَتُهُهَا

وَلَوْ نُقِلَتْ

أَضْبَعْنَا فِلَسْطِينَا

وَلَاةَ الْأَمْرِ

هَذَا النَّصْرُ يَكْفِيكُمُ وَيَكْفِينَا

تَهَانِينَا

لِمَنْ نَشْكُو مَآسِينَا (مطر، ۲۰۰۸: ۵۸۸-۵۸۹).



(ترجمه: والیان امر، حاکمان! نه خیانت کردید و نه آرام گرفتید/ و نه نرمش به خرج دادید/ خدا خیرتان دهد/ وجودتان برای حفظ سرزمینمان از فتنه دشمنان کافی است/ آرزوهایمان را برآورده ساختید/ این قدس سپاسگزاران است/ گاه در باوه‌هایتان/ گاه در تهدیدهایتان/ بینی آمریکا را خرد کردید/ ولی سفارت آمریکا از جایش تکان نخورد/ اگر هم تکان خورده باشد/ فلسطین را از دست دادیم/ والیان امر!/ این پیروزی شما و ما را بس است/ تبریکات ما را بپذیرید/ غم و غصه‌هایمان را نزد چه کسی شکایت بریم؟!).

کنش گفتاری اظهاری که اساساً محتوای گزاره‌ای را با جهان و محیط مطابقت می‌دهد و باورهای گوینده را نشان می‌دهد در سروده بالا به توصیف واقعیت‌های تلخ جهان در خصوص سازش حاکمان فاسد کشورهای عربی با اسرائیل و آمریکا و به منظور توییح و هجو این حاکمان به کار رفته است.

همچنین در سروده «هذه الأرض لنا» شاعر با کنش گفتاری اعلامی با قاطعیت بر تمامیت میهن و متعلقات آن اعم از خاک و نفت و زراعت و گذشته و آینده وطن تاکید کرده، دست‌درازی متجاوزان را نکوهش می‌کند. «در کنش گفتاری اعلامی فاصله زمانی میان گفتار و اجرا وجود ندارد و بلافاصله با اعلام و اجرا همراه است» (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۹۳). این کنش در این گفتار، افزون بر توصیف شدت ستم متجاوزان، نشان‌دهنده اوج تعهد، بی‌پروایی و حق‌طلبی گوینده آن هم هست:

قُوْتُ عِيَالِنَا هُنَا
يُهْدِرُهُ جَلَالَةُ الْحِمَارِ
فِي صَالَةِ الْقَمَارِ
وَ كُلُّ حَقِّهِ بِهِ
أَنْ بَعِيرٍ جَدَّه
قَدْ مَرَّ قَبْلَ غَيْرِهِ
بِهَذِهِ الْأَبَارِ
يَا شَرَفَاءُ
هَذِهِ الْأَرْضُ لَنَا
الزَّرْعُ فَوْقَهَا لَنَا
وَالنَّفْطُ تَحْتَهَا لَنَا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

وَ كُلُّ مَا فِيهَا بِمَاضِيهَا وَ آتِيهَا لَنَا

فَمَا لَنَا

فِي الْبَرْدِ لَانْتَلِسُ إِلَّا عُرِينَا

فِي الْجُوعِ لَانَأْكُلُ إِلَّا جُوعَنَا

وَ مَا لَنَا نَعْرُقُ وَ سَطَّ الْقَارِ

فِي هَذِهِ الْأَبَارِ

لَكِي نَصُوعَ فَقْرِنَا

دَفْنَا وَ زَادًا وَ غَنِي

مِنْ أَجْلِ أَوْلَادِ الزَّئِي؟! (مطر، ۲۰۰۸: ۷۵).

(ترجمه: قوت و غذای خانواده‌هایمان اینجاست/ ولی جناب خر همه آن‌ها را در سالن قمار به باد می‌دهد/ و همه حقش به ما این است که/ خر پدر بزرگش/ پیش از دیگران از اینجا و از کنار این چاه‌های نفت، گذر کرده است/ ای انسان‌های شریف/ این زمین، با کشاورزی زیرینش و نفت زیرینش، همه گذشته و آینده‌اش متعلق به ماست/ در سرما چیزی جز عریانی نمی‌پوشیم/ و در گرسنگی‌هایمان جز گرسنگی چیزی نمی‌خوریم/ ما را چه شده میان این چاه‌ها و قیرها غرق شده‌ایم/ تا به خاطر این زنا زادگان به فقر خویش گرما و توشه و ثروت بخشیم).

اتخاذ مواضع شجاعانه در قبال جنایات اسرائیل و نیز قاطعیت در برابر ضعف و سستی و بی تفاوتی حکام فاسد در قبال از دست رفتن قدس؛ قبله اول مسلمانان جهان و انسان‌های شریف و مظلومی که با دخالت‌های دشمنان، شهید و سرگردان و آواره و بی‌پناه شده‌اند در سروده زیر نیز به عنوان یکی از مؤثرترین راهکارهای مقابله با جنگ نرم معرفی شده است:

الَّذِينَ اسْتَشْهَدُوا

أَمْ قُلِدُوا أَمْ شَرِدُوا

هُوَ عَلَىكَ

كُلُّهُمْ لَيْسَ يَسَاوِي شَعْرَةً مِنْ شَارِيكَ

بَلْ لَكَ الْعِرْفَانُ مِمَّنْ قُلِدُوا... حَيْثُ اسْتَرَاخُوا

فَإِذَا نَحْنُ فَقَدْنَا الْقِبْلَةَ الْأُولَى

فَإِنَّ الْقِبْلَةَ الْأُولَى لَدَيْكَ

وَإِذَا هُمْ سَلَبُوا الْأَرْضَ وَالْعَرِضَ

فَيَكْفِي

أَنَّهُمْ لَمْ يَقْدِرُوا.. أَنْ يَسْلُبُوا شَفَتَيْكَ

بارکَ اللهُ وَ أَبْقَى لِلْمَعَالَى شَفَتَيْكَ!! (مطر، ۲۰۰۸: ۵۹۲).

(ترجمه: آن‌هایی که شهید شدند/ یا به بند کشیده شدند یا آواره شدند/ سخت‌گیر/ هیچ‌کدام از آن‌ها به اندازه یک تار موی سیل تو نیستند/ تو می‌دانی که چه کسانی به بند کشیده شدند... چگونه راحت شدند/ پس اگر ما قبله اول را از دست دادیم/ بوسه اول نزد توست/ و اگر زمین و حیثیت ما را گرفتند/ همین‌که/ آن‌ها نتوانستند لبهای تو را بگیرند/ کافی است/ آفرین بر تو و خداوند این لبهای تو را حفظ کند و نگه دارد).

مخاطب شاعر در سروده فوق با این‌که در ظاهر امر، حاکمان بی‌اراده و فاسد و نالایق است اما در واقع با کنش گفتاری غیر مستقیم، مردم جامعه را مخاطب قرار داده و با کنش گفتاری اظهاری، سستی و ضعف و بی‌کفایتی و بی‌تفاوتی ایشان را در قبال غارت و تاراج رژیم اشغالگر اسرائیل توصیف می‌کند.

به صحنه آوردن مردم و آگاهی‌بخشی به آنان در باب مسئلهٔ قدس و فلسطین الگوی جدیدی از مقاومت و مبارزه با استعمار و استبداد و تهدیدات جنگ نرم است که نقطه عطفی در بیداری جوانان نه فقط عراقی که جهان اسلام به شمار می‌آید:

هَرَمَ النَّاسُ... وَكَانُوا يَرْضَعُونَ

عِنْدَمَا قَالَ الْمَعْنَى:

عَانِدُونَ

يَا فِلَسْطِينَ وَ مَا زَالَ الْمَعْنَى يَتَعْنَى

وَ مَلَايِينُ اللَّحُونِ

فِي فِضَاءِ الْجُرْحِ تَفْنَى

وَ الْيَتَامَى مِنْ يَتَامَى يُؤَلَّدُونَ

يَا فِلَسْطِينَ وَ أَرْبَابَ النُّضَالِ الْمُدْمِنُونَ

سَاءَ هُمْ مَا يَشْهَدُونَ

فَمَضُوا يَسْتَنْكِرُونَ

و يَخَوْضُونَ النَّضَالَاتِ

عائِدُونَ

وَلَقَدْ عَادَ الْأَسَىٰ لِلْمَرَّةِ الْأَلْفِ

فَلَا عُدْنَا وَ لَاهُمْ يَحْزَنُونَ (مطر، ۲۰۰۸: ۱۹).

(ترجمه: مردم از شیرخوارگی پیر شدند/ همان زمانی که آوازخوان گفت: / باز می‌گردیم / ای فلسطین آوازخوان همچنان می‌خواند / و ملیون‌ها موسیقی / در فضای زخمی از بین می‌روند / و یتیمان از یتیمان زاده می‌شوند / ای فلسطین و ای اربابانی که به جنگ عادت کرده‌اید / آنچه مردم مشاهده می‌کنند برایشان بسیار ناگوار است / و همچنان ابراز انزجار و تنفر می‌کنند / وارد میدان‌های جنگ می‌شوند / باز می‌گردیم / ولی غم و اندوه برای هزارمین دفعه باز می‌گردد / ما بازنگشتیم و ایشان نیز ناخرسند نیستند).

به چالش کشیدن دخالت‌های آمریکا نیز از دیگر راهکارهای شاعر در مبارزه با تهدیدات جنگ نرم است که با کنش گفتاری اظهاری با استفاده از شیوه طنز توصیف شده:

وَطَنِي نُوْبٌ مُرَقَّعٌ

تَسْمَحُ أَنْ تَدْخُلَ امْرِيكَ عَلَيْنَا

فِي شُؤْنِ السَّلْمِ وَالْحَرْبِ

وَ فِي السَّلْبِ وَ فِي النَّهْبِ

وَ فِي الْبَيْتِ وَ فِي الدَّرْبِ

وَ فِي الْكُتُبِ

عَرَبٌ نَحْنُ وَ لَكِنْ

أَرْضُنَا عَادَتْ بِلَا أَرْضِ

وَ عُدْنَا فَوْقَهَا دُونَ هُوِيَّةِ

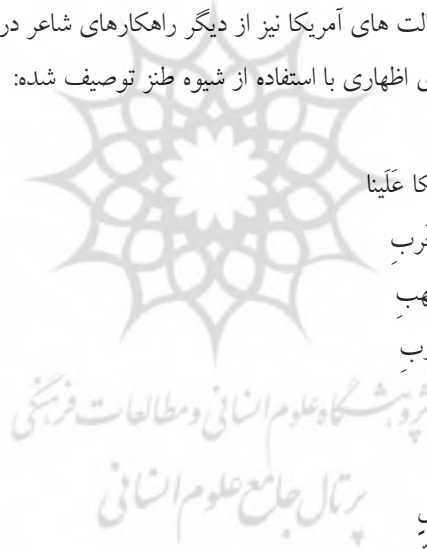
فَبِحَقِّ الْبَيْتِ

أَعْطَانَا يَا رَبِّ جَنَسِيَّةً امْرِيكَ

لَكِي نَحْيِي كِرَامَا

فِي الْبِلَادِ الْعَرَبِيَّةِ (مطر، ۲۰۰۸: ۵۰۰).

(ترجمه: وطنم لباس پاره و مندرسی است / که اجازه می‌دهد آمریکا / در امور و مسائل جنگ و



صلح/ غارت و چپاول/ خانه و جاده/ کتاب و.. دخالت کند / ما عرب هستیم ولی/ سرزمینمان بی- سرزمین شده/ و خودمان بی‌هویت/ پس ای خدا به حق این خانه/ تابعیت آمریکایی به ما بده/ تا در سرزمین‌های عربی با احترام و عزت زندگی کنیم).

نتیجه‌گیری

نظریه کنش‌گفتاری جان سرل که ریشه‌های آن در بلاغت اسلامی با عنوان «الغرض من إلقاء الخبر» شناخته می‌شود و در دوران معاصر ادامه همان نظریه‌های جان آستین است، می‌تواند جهت واکاوی راهکارهای مقابله با جنگ نرم در سروده‌های احمد مطر به کار گرفته شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیوان لافتات احمد مطر سرشار از سروده‌هایی است که در عین توصیف وضعیت اجتماعی نامطلوب جامعه که خود آن نیز محصول فساد حکومت و عملکرد ظالمانه حاکمان هم‌سو با استبداد و استعمار جهانی اسرائیل و آمریکا بوده، موضع شاعر در قبال فساد اجتماعی و سیاسی را به-روشنی و با شجاعت و بی‌پروایی تمام ترسیم می‌کند. همچنین شاعر در جهت مقابله با حجم گسترده فساد و تهدیدات جنگ نرم، راهکارهای مفید و مؤثری ارائه داده که با کاربست نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل قابل واکاوی، تحلیل و بررسی است. شاعر با مدنظر قرار دادن ظلم و جوری که بر مردم روا داشته شده است، در کنار جبهه مقاومت و نیروهای انقلابی، یکی از راه‌های مقابله با این قسم مسائل را در سرودن اشعاری می‌بیند که می‌تواند در بر دارنده فریاد مظلوم و دادخواهی کودکان بیگناه و پیران و خستگان از ستم‌جائران باشد. از این روی شعر، این نوع ادبی پر رمز و راز، نقشه راهی را ترسیم می‌سازد و انقلابی به پا می‌کند که گاه در میدان جنگ رویاروی با دشمن، از اسلحه و سرنیزه ساخته نیست. راهکارهای مقابله با جنگ نرم دشمن در این پژوهش عبارتند از: احیای هویت دینی و ملی، ترویج فرهنگ اینار و شهادت‌طلبی، بصیرت‌افزایی و آگاه‌سازی، تأکید بر هویت و هدف مشترک و همبستگی اجتماعی، ایستادگی در برابر دشمنان خارجی و داخلی و حاکمان سازش‌گر و هم‌سو با اسرائیل و آمریکا، ایستادگی در برابر استکبار جهانی و عدم سازش با جریان مصلحت‌اندیش داخلی. این راهکارها عمدتاً در کنش‌های گفتاری ذیل با وضوح بیشتری نمود یافته است:

الف) کنش‌های گفتاری اظهاری و ترغیبی، که تقریباً حجم وسیعی از قصاید و اشعار شاعر را به خود اختصاص داده و به اصطلاح، بیشترین بسامد را بر اساس نظریه کنش‌گفتار جان سرل در بر داشته‌اند.

ب) همچنین از کنش‌های گفتاری دیگری مانند عاطفی و اعلامی نیز استفاده شده است. گرچه، همچنان که ذکر شد، بیشترین کاربرد با موارد دیگر است.

ج) شاعر با استفاده از کنش گفتاری مستقیم و نیز غیرمستقیم نیز به تشجیع و تشویق آحاد جامعه بویژه جوانان پرداخته و از نیروی جوان و فداکار جامعه وقت عراق در جهت تحقق اهداف قدرت و جنگ نرم در اشعار خویش بهره جسته است. از آنجایی که مجال محدود این پژوهش را یارای پرداختن به تمام جوانب اشعار احمد مطر بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل نیست، می‌توان اظهار داشت که دیوان وی فریادی است در برابر حاکمان مستبد و نموداری است از راهکارهای مختلف جهت مقابله به مثل با جنگ نرم دشمن و بیدارسازی ذهن‌های مسخ شده توسط افکار مسموم استکبار جهانی و صهیونیسم کودک کش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- تیرانداز، پیام؛ فلاح، علی؛ باقرزاده، محمدرضا و متانی، مهرداد (۱۳۹۹). «طراحی مدل شایستگی کارکنان خبرگزاری برای مواجهه مؤثر در جنگ نرم (مطالعه موردی خبرگزاری فارس)»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۱۰، شماره ۲.
- جلالی، مریم و صادقی، معصومه (۱۳۹۵). «کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه اجتماعی در گرشاسب نامه»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۸، شماره ۱.
- حسنوند، صحبت الله (۱۳۹۸). «تحلیل متن سوره مریم بر اساس نظریه کنش گفتاری با تاکید بر الگوی جان سرل»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال ۷، شماره ۲.
- حسینی، حسین (۱۳۸۹). «جنگ نرم از تهدید تا پاسخ»، فصلنامه عملیات روانی، سال ۷، شماره ۲۶.
- خطیبی، اعظم (۱۳۹۴). «میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم و راه‌های مقابله با آن مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور همدان»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۲.
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۱). «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی وجوه تشابه و تمایز»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۹، شماره ۲۸.
- دارایی، علی (۱۳۹۹). «گام دوم انقلاب اسلامی، تهاجم نرم و سواد رسانه‌ای»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۳).
- درج، حمید و هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۴۰۰). «تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در تقویت قدرت شیعیان در ساختار سیاسی عراق (۲۰۲۰-۲۰۰۳)»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۵).
- سرل، جان راجرز (۱۹۶۹). افعال گفتاری، ترجمه محمد علی عبداللهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سواری، کریم (۱۳۹۶). «آسیب‌های روانی جنگ نرم»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۷، شماره ۱۶.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۹). «اپوزیسیون رسانه‌ای و جنگ نرم»، فصلنامه حصون، شماره ۲۳.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۷). فرهنگ توصیفی معناشناسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۳). جنگ نرم ۲، ویژه جنگ رسانه‌ای، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عبداللهیان، حمید و باقری، علی‌اصغر (۱۳۹۶). «کنش‌های گفتاری پنج‌گانه در صدای پای آب سهراب»، دو فصلنامه زبان و ادب فارسی، شماره ۸۲.

- عربی، زهرا و حاتمی، داود (۱۳۹۳). «نقاش و جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در بیداری اسلامی و تداوم آن»، نخستین همایش بین‌المللی مطالعه علمی ایثار و شهادت، دانشگاه تهران.
- غنیم، کمال احمد (۱۹۹۸). عناصر الإبداع الفنی فی شعر احمد مطر، مصر: مکتبه مدبولی.
- قربان زاده سوار، قربانعلی و ناطقی، هاشم (۱۳۹۰). «جنگ نرم و جمهوری اسلامی»، فصلنامه عملیات روانی، سال ۸، شماره ۱۳.
- کامکار، مهدی (۱۳۹۲). مبانی عملیات روانی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- لطفی پور، کاظم (۱۳۷۲). «درآمدی بر سخن کاوی»، مجله زبان شناسی، بهار و تابستان.
- متفکر، حسین (۱۳۸۶). جنگ روانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- محمدی نجم، سیدحسین (۱۳۸۸). «نقش رسانه‌های جدید در شکل‌گیری افکار عمومی؛ بررسی موردی حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۸۸»، فصلنامه عملیات روانی، سال ۶، شماره ۲۴.
- مرادی، حجت الله (۱۳۸۸). «کاربرد فنون تبلیغات در جنگ نرم»، فصلنامه علمی-تخصصی عملیات روانی، شماره ۲۳.
- مطر، احمد (۲۰۰۸). الأعمال الشعریة الكاملة، القاهرة: الحریة للنشر و التوزیع.
- نحله، محمود أحمد (۲۰۰۲). آفاق الجديدة فی البحث اللغوی المعاصر، مصر: دار المعرفة الجامعیة.
- Brinton, L. J. (2000). The Structure of Modern English: A linguistic in troduction. Vol.1.1. Co, Amsterdam.
- Poythress, V.R. (2008). Canon and Speech Act: Limitation in Speech at Theory. London: Sage publication.